

تفکیک قوا در عمل،

نگاهی اجمالی به مدل‌های تفکیک قوا

در سه کشور ایران، امریکا و فرانسه

مسیح بهنیا*

چکیده

اصل تفکیک قوا یکی از اصول اساسی در دموکراسیهای معاصر است. این اصل که توسط اندیشمندانی نظیر شارل دومونتسکیو و جان لاک مطرح گردیده، امروزه از مفهوم کلاسیک و سنتی خود فاصله زیادی گرفته است بطوریکه در شرایط حاضر، دولتهای مختلف جهان به خوبی دریافته‌اند که تفکیک وظایف و تقسیم قدرت عمومی میان قوای سه‌گانه، به تنهایی برای نیل به اهداف تفکیک قوا (محو استبداد و جلوگیری از مطلقیت) کافی نیست بلکه ضروریست که هر یک از قوای سه‌گانه به ابزارهایی برای کنترل و نظارت بر یکدیگر تجهیز شوند تا به این ترتیب ضمن تنظیم حسن اجرای امور عمومی در هر یک از قوا، حقوق شهروندان نیز بیش از پیش تضمین گردد. به این جهت، در جهان امروز، غالب نظامهای سیاسی (اعم از ریاستی، نیمه‌ریاستی - نیمه پارلمانی، پارلمانی، مختلط یا اسلامی) میل شدیدی

* پژوهشگر و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران (مجمع آموزش عالی قم)

به استقرار سیستم تعادل و توازن قوا داشته‌اند. در این میان، نظامهایی که در مدل تفکیک قوای آنها، نیرویی مافوق قوای سه‌گانه وجود نداشته، در تلاش برای استقرار سیستم مزبور به موفقیت‌های بیشتری دست یافته‌اند. این مقاله ضمن بررسی مدل تفکیک قوا در برخی از نظامهای سیاسی نمونه، به‌طور مختصر به تبیین شیوه‌های استقرار سیستم تعادل و توازن قوا در پاره‌ای کشورهای پرداخته و تعریف جدیدی از اصل تفکیک قوا را ارائه نموده است.

مقدمه

از دیرباز ذهن متفکران و اندیشمندان حقوق اساسی به‌منظور نیل به حکومتی مطلوب و کارآمد، به تحلیل قدرت سیاسی و تشخیص قوای موجود و بیان خصلت‌ها و ویژگی‌های هر کدام از آنها معطوف بوده است.

حکمای یونان به‌ویژه افلاطون و ارسطو در آثار خود به بحث و بررسی قوای مختلف پرداخته و هر کدام بنا بر مشی فلسفی و سیاسی خود از آنها سخن گفته‌اند. ولی باید گفت «اصل تفکیک قوا» به ترتیبی که امروزه حقوقدانان و علمای علوم سیاسی از آن بهره می‌گیرند، دستاورد قرون هفدهم و هجدهم است. اصل تفکیک قوا به گونه‌ای که در دنیای امروز متداول گشته و به قوانین اساسی مختلف راه یافته، حاصل تفکرات شارل دو مونتسکیو، فیلسوف قرن هجدهم فرانسه است. وی نظریه خود در باب انفصال قوا را به شیوه‌ای ابراز کرده که آثار آن بر مشی فکری تدوین‌کنندگان قوانین اساسی و بر تشکیل رژیم‌های سیاسی غیرقابل انکار است.

باید توجه داشت که تفکیک قوا به‌ویژه برای وصول اهدافی که مونتسکیو و سایر متفکران در نظر داشتند (ایجاد حکومتی معتدل، حفظ آزادی‌ها و حقوق فردی و جلوگیری از تجمع قدرت در ید واحد) بدون ایجاد سیستم تعادل و توازن قوا معنی واقعی خود را از دست خواهد داد. بنابراین باید به ایجاد ابزارها و وسایلی پرداخت که با استفاده از آنها هر یک از قوا بتوانند عملاً قوای دیگر را به تبعیت از تفکیک و تعادل وادارند تا به این وسیله امنیت و آزادی به مخاطره نیافتد و خودکامگی و استبداد بر جامعه مستولی نشود.

در نگرش جدید به اصل تفکیک قوا، قوای منفصل شده باید در سطحی از موازنه باشند که نیروی برتری طلبی هر کدام از آن‌ها با وسایل تعبیه شده قانونی برای قوه دیگر، خنثی گردد. زیرا در غیر این صورت، همیشه غلبه با طرف نیرومندتر است که نتیجه نهایی این امر باز هم همان تمرکزی خواهد بود که نظریه پردازان کلاسیک از آن هراس داشتند. امروزه در غالب نظام‌های سیاسی، مفهوم تفکیک قوا به شدت از ملاحظات کلاسیک فاصله گرفته و تمایزبندی جدیدی متکی بر واقعیات عملی و تجربی نهادها و ساختارهای حکومتی جایگزین آن شده است.

هدف از تدوین این مقاله آن است که ضمن بیان مفهوم کلاسیک تفکیک قوا و انجام مقایسه‌ای مختصر میان مدل‌های تفکیک قوا در برخی از کشورهای نمونه، فاصله میان مبانی نظری و مفهوم تئوریک تفکیک قوا با عملکرد کشورها نشان داده شود و تعریف جدیدی از تفکیک قوا ارائه گردد.

به این جهت ابتدا به مبانی نظری اصل تفکیک قوا پرداخته و سپس با بیان انواع مدل‌های تفکیک قوا برای فهم بهتر واقعیت‌های ناشی از اجرای این اصل در نظام‌های سیاسی مختلف، نگاهی مختصر به مدل تفکیک قوای سه کشور ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه خواهیم داشت. در پایان نیز با جمع‌بندی از عملکرد کشورهای فوق‌الذکر، نسبت به تبیین مفهوم جدید تفکیک قوا (به نحوی که حتی الامکان با واقعیات روز منطبق باشد) اقدام خواهیم کرد.

گفتار اول - مبانی نظری اصل تفکیک قوا

«حکمای یونان مانند افلاطون و ارسطو و برخی دانشمندان متأخر مانند گرسپوس، پوفندرف و بدن در آثار خود به طور جسته و گریخته درباره قوای مختلف حکومتی و محاسن تفکیک قانونگذاری از امر اجرایی عقایدی ابراز داشته‌اند؛ لکن هیچ کدام از آن عقاید از وضوح و روشنی لازم برخوردار نبودند. تنها نظریات جامع و کامل در باب تفکیک قوا متعلق به (جان لاک) فیلسوف و متفکر مشهور انگلیسی و شارل مونتسکیو فیلسوف و

حقوقدان مشهور فرانسوی است».^۱

نظریه تفکیک قوا بر این پایه و اساس استوار است که تمرکز قدرت و استبداد، خطر بزرگی برای حقوق و آزادی افراد است^۲ و لذا برای صیانت از حقوق و آزادی افراد، قدرت باید در بین قوا تفکیک گردد تا با توازن و تعادل قوا از تمرکز قدرت جلوگیری شود. در همین رابطه ماده (۱۶) اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مورخ ۱۷۸۹ مقرر می‌دارد «جامعه‌ای که در آن حقوق افراد تأمین نداشته باشد و تفکیک قوا برقرار نباشد، فاقد قانون اساسی است». بر همین اساس دو دانشمند شهیر انگلیسی و فرانسوی یعنی جان لاک و مونتسکیو در دو اثر مشهور خود به ترتیب «رساله‌ای درباره حکومت مدنی» و «روح القوانین» با الهام از سازمان سیاسی انگلستان در عصر خود، درباره اصل تفکیک قوا بحث کرده و آن را ضامن آزادی در کشور دانسته‌اند.^۳

در این میان، مونتسکیو نظریه خویش در مورد تفکیک قوا را با توجه به نظر جان لاک و نظام موجود آن زمان در انگلستان تشریح نموده است. نظریه وی حول محور آزادی سیاسی دور می‌زند. او که در نظریه خویش به طور صریح به اصطلاح «تفکیک قوا» اشاره نکرده، معتقد است در هر کشوری سه قوه وجود دارد:

قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که تعادل و توازن بین آن‌ها برقرار است به گونه‌ای که نهادهای سیاسی مناسبی و وظایف هر یک از این قوا را به عهده می‌گیرند و این سه قوه به شکلی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند که امکان تجاوز و دخالت در وظایف یکدیگر را ندارند.^۴

1. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰)، ص ۱۲۱.
 2. ابوالفضل قاضی، گفتارهایی در حقوق عمومی، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵)، صص ۱۸۰-۱۷۹ و همچنین جان سالوین شاپیرو، لیبرالیسم؛ معنا و تاریخ آن، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰)، ص ۲۴ و همچنین کریستیان دلاکامیانی، «تفکیک قوا و برخی مسائل فلسفه سیاست در روزگار ما»، ترجمه بزرگ نادرزاده، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پانزدهم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۱۶۴-۱۶۳.
 3. پیشین، ابوالفضل قاضی، صص ۱۸۲-۱۸۱.
 4. مرتضی نجفی اسفاد و فرید محسنی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۶.

به هر ترتیب، با بررسی تاریخچه این نظریه به خوبی می‌توان این نکته را به دست آورد که نظریه پردازان، این نظریه را صرفاً به‌عنوان یک شیوه سیاسی برای اعمال حاکمیت و تکنیکی در جهت نجات از تمرکز قدرت مطرح می‌کرده‌اند و در حقیقت، تفکیک قوای سه‌گانه نوعی طبقه‌بندی مسئولیت‌ها و تقسیم قدرت بوده است؛ ولی «امروزه از دیدگاه سیاستمداران حرفه‌ای، تفکیک قوا به عنوان یکی از اصول بنیادین در هر نظام سیاسی، امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر تلقی شده و هر شیوه‌ای جز توزیع قدرت عمومی میان قوای سه‌گانه، مردود و غیرمنطقی محسوب می‌گردد».^۱

گفتار دوم - انواع مدل‌های تفکیک قوا

با عنایت به نظریات کلاسیک تفکیک قوا که عمدتاً مبتنی بر تفکرات جان لاک انگلیسی و شارل مونتسکیو فرانسوی است، مدل‌های متفاوتی برای انفصال قوای سه‌گانه قابل تصور است. بر این اساس در این قسمت دو نمونه از مشهورترین تقسیمات مربوط به تفکیک قوا بررسی می‌شود:

۱. تفکیک مطلق و نسبی قوا،

۲. تفکیک عمودی و افقی قوا.

۱. تفکیک مطلق و نسبی قوا

به عقیده مونتسکیو برای تأمین آزادی مردم، تفکیک قوا کافی نبوده بلکه بین قوای ثلاثه باید نوعی تعادل و توازن برقرار گردد تا یکی از قوای مذکور نتواند نسبت به دو قوه دیگر اولویت و برتری پیدا کند.^۲ از این رو بسیاری از حقوقدانان، در مورد تفکیک مطلق و نسبی قوا تردید کرده و به بحث و جدل پرداخته‌اند.^۳ بر این اساس، دو برداشت متفاوت از

۱. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد اول، (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸)، ص ۱۳۲.

۲. موسی، غنی‌نژاد، «دمکراسی در پرتو دو مفهوم آزادی و قدرت»، نشریه کیان، شهریور و مهر ۱۳۷۵، شماره ۱۳۲، ص ۴۷.

۳. پیشین، عباسعلی عمید زنجانی، ص ۱۳۸.

تفکیک قوا ایجاد شده که هر کدام از این دو تفسیر، منجر به شکل‌گیری رژیم سیاسی مخصوص به خود گردیده است.

در برداشت اول که همان تفکیک مطلق قواست، اعتقاد بر این است که هر یک از قوا دارای وظایف منجز و مشخص هستند و هیچ یک از قوا نباید از حدود مرزهای تعبیه شده در قانون اساسی، فراتر روند و در وظایف قوای دیگر مداخله کنند. توازن و تعادل قوا هنگامی مقدور است که قوا به وسیله دیوار نفوذناپذیری از هم جدا باشند. این دیدگاه مورد توجه نویسندگان قانون اساسی ۱۷۸۷ آمریکا و واضعان قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه قرار گرفته است. با این وجود، تفکیک قوا به صورت مطلق در هیچ جا وجود ندارد و قوا به نحوی از همدیگر متأثرند.

اما برداشت دوم یعنی تفکیک نسبی قوا، بر این اندیشه استوار است که تفکیک مطلق قوا، نه ممکن است و نه مصلحت، و اصولاً توازن و تعادل قوا به معنای دیوار نفوذناپذیر نیست؛ چرا که قوای سه‌گانه مظاهر مختلف حاکمیت ملی می‌باشند. بنابراین همکاری و رابطه قوا باعث می‌گردد تا کارها بر وفق منطق فرمانروایی پیش رود و هر یک از قوا در مسیر تکمیل وظایف دیگری گام بردارد و مصلحت نیز چنین ایجاب می‌کند که ارتباط طبیعی بین قوا قطع نشود. این نوع همکاری میان قوا را تفکیک نسبی گویند.

در نهایت محصول این دو برداشت، شکل‌گیری دو نوع رژیم سیاسی یعنی رژیم‌های ریاستی و پارلمانی بوده است.^۱

۲. تفکیک عمودی و افقی قوا

طرفداران تفکیک عمودی قوا، به استقلال قوا در برابر یکدیگر نمی‌اندیشند. به اعتقاد آنها تفکیک قوا باید به صورت عمودی باشد. به تعبیر دیگر در این سیستم، قوا در محدوده وظایف خود تخصص دارند و قلمرو فعالیت هر یک از آنها کاملاً مشخص است ولی چون از لحاظ سلسله مراتب، اجرای قانون، یک مرحله پایین‌تر از وضع قانون است، این امر موجب

۱. ر. ک. به: ابوالفضل قاضی، بایسته‌های حقوق اساسی، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵)، صص ۱۹۶-۱۹۰.

می‌شود که قوه مجریه، تابع و منبعث از قوه مقننه باشد. روسو و شاگردانش به تفکیک عمودی قوا اندیشیده‌اند. در این طرز تفکر سه قوه در عرض هم نیستند بلکه در طول هم هستند. در مقابل، در تفکیک افقی قوا که می‌توان از آن به سیستم تعادل و توازن قوا یاد کرد، در عین حال که قوا در محدوده وظایف خود تخصص دارند، از هم مستقل و در عرض هم می‌باشند. به عبارت دیگر، تفکیک قوا به شکل افقی است و هر یک از قوا به وسایل و ابزارهایی مجهز هستند که از طریق آن به کنترل و نظارت بر قوای دیگر می‌پردازند و جلوی انحرافات و سوءاستفاده‌های احتمالی از قدرت را می‌گیرند. به همین دلیل این روش را «سیستم تعادل و توازن» می‌نامند.^۱

گفتار سوم - بررسی مدل‌های تفکیک قوا در نظام‌های سیاسی ایران، امریکا و فرانسه

۱. تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران

اصل تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد پذیرش قرار گرفته و تبیین‌کننده شکل و ساختار کلی حکومت در کشور است.

اسلام و نظام اسلامی سرسختانه با استبداد مقابله می‌کند، حکومت را از انسان‌ها می‌گیرد و خداوند را حاکم اصلی می‌داند تا افراد نسبت به یکدیگر برتری نداشته باشند و حکومت وسیله‌ای برای سرکوبی در دست افراد قرار نگیرد. نظر به این که هدف از تفکیک قوا نیز جلوگیری از استبداد است، این علت مشترک، راه همزیستی دو نظام (نظام اسلامی و نظام دمکراتیک که از پایه‌های بنیادین آن، تفکیک قواست) را هموار می‌سازد.

در این روند است که اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، نظام تفکیک قوای مقننه، مجریه و

1. سید جهانگیر بیدار دل، بررسی تطبیقی اختیارات فوق‌العاده مقامات عالی حکومتی در نظام‌های ایران، فرانسه و مصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، به راهنمایی دکتر محمد حسین زارعی، دانشگاه تهران (مجمع آموزش عالی قم)، تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۵.

قضائیه را به شکل کاملاً نسبی و با شیوه خاص خویش پذیرفته است.^۱ براین اساس هر یک از قوا متصدی امری از امور زمامداری کشور می گردند و قسمتی از حاکمیت را از طریق سازمان‌های ذی ربط به ترتیب ذیل اعمال می کنند: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد».^۲

فصل ششم قانون اساسی (اصول شصت و دوم تا نود و نهم) ضمن پیش بینی چگونگی تأسیس قوه مقننه و ارکان آن (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) صلاحیت‌های ناشی از این قوه را در اصول متعدد بیان می کند.

همچنین، «اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً برعهده رهبری گذاشته شده، از طریق رئیس جمهور و وزراست».^۳

«اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد».^۴

هرچند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام تفکیک قوا را پذیرفته است، اما در آن یک تفاوت بارز با نظام کلاسیک تفکیک قوا مشاهده می شود؛ بدین ترتیب که در نظام کلاسیک تفکیک قوا، قدرت کاملی مافوق قوای سه گانه وجود ندارد و اصولاً تفکیک قوا برای آن است که قدرت مافوقی وجود نداشته باشد و قوای سه گانه، قدرت یکدیگر را تعدیل نمایند تا نتوان از آن سوء استفاده کرد؛ اما به موجب اصل پنجاه و هفتم،

1. مسیح بهنیا، بررسی تطبیقی آیین نامه داخلی کنگره امریکا (سنا و نمایندگان) با آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی به راهنمایی دکتر محمد حسین زارعی، دانشگاه تهران (مجمع آموزش عالی قم)، اسفند ۱۳۸۲، ص ۵۶.

2. اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی.

3. اصل شصتم قانون اساسی.

4. اصل شصت و یکم قانون اساسی.

در جمهوری اسلامی ایران، این قوا «زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت ... اعمال می‌گردند». این نظارت ناشی از ولایت فقیه عادل در زمان غیبت ولی عصر (عج) به عنوان یکی از اصول بنیادین نظام می‌باشد. در بیان حقوق اساسی، منظور از ولایت امر و امامت امت همان «حاکمیت» از طریق رهبری است که رهبری به عنوان مقام «حاکم»، بر کل امور و شئون کشور نظارت، اشراف و سلطه همه جانبه (تشریحی، تنفیذی و قضایی) دارد. در ظاهر امر، اقتدار وسیع مقام رهبری چنان تمرکز قدرتی را موجب شده که طبعاً در تفکیک قوا موجود در جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان به هدف اصلی و سنتی تفکیک قوا (مقابله با تمرکز قدرت) دست یافت. اما در عین حال، موضعگیری صریح قانون اساسی در محو استبداد^۱ و شیوه‌های نظارتی که بر مقام رهبری مقرر شده^۲ و تفکیک وظایف مقام مزبور مطابق اصل (۱۱۰) قانون اساسی، در مجموع حاوی مطالبی است که هدف غایی اصل تفکیک قوا (محو استبداد و تضمین آزادی مردم) در آن مشاهده می‌شود.

به هر حال، با وجود نظارت ولایت مطلقه امر و امامت امت بر قوای سه گانه، اصل تفکیک قوای جمهوری اسلامی ایران اصولاً قابل انطباق کامل با تفکیک قوای موجود در سایر دموکراسی‌های معاصر به نظر نمی‌رسد.^۳ این عدم انطباق، در نوع رژیم سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیرگذار بوده است تا جایی که قانون اساسی ایران در قسمت‌هایی متکی به رژیم ریاستی و در قسمت‌هایی شباهت به رژیم پارلمانی دارد. نظام سیاسی ایران از جهات ذیل به رژیم پارلمانی شباهت دارد:

- رئیس جمهور در برابر مجلس مسئولیت دارد.

- وزرا باید از پارلمان رأی اعتماد بگیرند.

- سؤال و استیضاح و تحقیق و تفحص وجود دارد.

- وزرا حق حضور در مجلس و ادای توضیح دارند.

1. بند ششم اصل سوم قانون اساسی.

2. اصول یکصد و یازدهم، یکصد و چهل و دوم و ذیل اصل یکصد و هفتم قانون اساسی.

3. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، (تهران: انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۸)، صص ۱۰-۸.

- نمایندگان مستقیماً از جانب مردم انتخاب می‌شوند.
- دولت لوایح لازم را تهیه و تنظیم و برای تصویب به پارلمان تقدیم می‌کند.
- در مقابل، از جهات ذیل به رژیم ریاستی شبیه است:
- رئیس‌جمهور مستقیماً از جانب مردم (و نه از طرف مجلس) برگزیده می‌شود.
- رئیس‌جمهور و وزرا از اختیارات وسیع اجرایی برخوردارند و بسیاری از سازمان‌ها مستقیماً به نهاد ریاست جمهوری پیوند دارند.

اما با توجه به اختیارات و اقتدارات مقام رهبری از جمله انتخاب فقهای شورای نگهبان و فرماندهان کل نیروهای مسلح، نصب و عزل رئیس قوه قضائیه، انتخاب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و این که سه قوه تحت نظر ولی فقیه هستند، رژیم سیاسی ایران به هیچ یک از دو رژیم ریاستی و پارلمانی شباهت کامل ندارد. بلکه رژیم حاضر، یک رژیم «مختلط» یا «اسلامی» است که اصطلاحات دو رژیم را اخذ کرده و از لحاظ محتوی کاملاً متفاوت است. در چنین سیستمی در مجموع به نظر نمی‌رسد تفکیک قوا به مفهوم ممانعت از تجمیع قدرت در ید واحد بوده باشد بلکه در حقیقت منظور از تفکیک قوا، تفکیک وظایف و تقسیم کار میان سه نهاد مختلف بوده که هر سه ضمن استقلال از یکدیگر، تحت نظارت مستقیم مقام رهبری هستند. شاید به همین دلیل است که در اصل (۵۷) قانون اساسی عبارت «استقلال قوا» جایگزین عبارت «تفکیک قوا» گردیده است.

۲. تفکیک قوا در ایالات متحده آمریکا

وضعیت تفکیک قوا در ایالات متحده آمریکا به گونه‌ای دیگر است؛ واضعان قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، تحت تأثیر اندیشه‌های مونتسکیو و جان لاک، اصل تفکیک قوا را به وضوح و روشنی در متن قانون اساسی مورد پذیرش قرار داده‌اند. با اذعان به این واقعیت که پذیرش این اصل، تحت تأثیر شدید عقاید مونتسکیو بوده است، باید این نکته را متذکر شد که علی‌رغم این تأثیرپذیری واضح، بعدی از اندیشه وی نیز بسط داده شده است. واضعان قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مقوله انفکاک قوا را در این نمی‌پنداشتند که هیچ‌گونه ارتباط و مسئولیت مشترکی مابین سه قوه وجود نداشته باشد. تلاش آنان بیش‌تر مصروف

آن بود که از تجمع قدرت در دست یکی از نهادهای حکومت جلوگیری و به نحوی هریک از قوا را از تعدی و تجاوز به قوه دیگر برحذر دارند و در این راستا از مونتسکیو و تعلیمات وی پیشی گرفتند. لذا، برای نیل به منظور خویش، صرفاً به جدایی تئوریک سه قوه بسنده نکردند، بلکه در عمل نیز هر کدام را مأمور و موظف «نظارت و تعدیل»^۱ بر عملیات دیگری ساختند تا جلوی انحرافات مستبدانه احتمالی هریک از سه قوه به نحوی سد گردد.^۲

علت پذیرش این مصلحت اندیشی از جانب جیمز مدیسون در فدرالیست^۳ شماره ۴۷ چنین بیان شده است: «وقتی مونتسکیو می‌گفت «هیچ آزادی در صورت اجتماع قوه قانونگذاری و اجرایی در دست یک تن وجود نخواهد داشت»، منظورش آن نبود که هیچ مسئولیت مشترکی بین قوا موجود نباشد یا نظارتی صورت نگیرد، بنابراین برای جلوگیری از اضمحلال آزادی، نیاز به تعامل قوا نیز وجود دارد».

با این توضیحات و با ملاحظه عملکرد قوا در ایالات متحده، گروهی از حقوقدانان از استعمال واژه «تفکیک مطلق قوا» برای ایالات متحده امریکا خودداری نموده و آن را در عمل مقدور نمی‌دانند و ترجیح می‌دهند که به جای آن اصطلاح «تفکیک انعطاف‌ناپذیر قوا» را به کار ببرند.^۴

1. Check and Balance

2. پیشین، مسیح بهنیا، ص ۵۹.

3. فدرالیست مجموعه ۸۵ نامه به مردم است که با عنوان مستعار پوبلیوس (Publius) امضا شده است. اولین نامه در اکتبر ۱۷۸۷ میلادی در روزنامه شهر نیویورک به چاپ رسید. نام واقعی نویسندگان تا سال‌ها پس از انتشار نامه‌ها مخفی نگاه داشته شد. اندیشه انتشار فدرالیست ابتدا از طرف «الکساندر هامیلتون» عنوان شد که می‌خواست نوعی مبارزه برای تشریح قانون اساسی و حمایت از آن ایجاد کند. «جیمز مدیسون» و «جان جی» نیز با اندیشه او موافقت کردند. از مجموعه ۸۵ نامه، ۵۶ نامه متعلق به «هامیلتون»، ۲۱ نوشته متعلق به «مدیسون» و ۵ مکتوب از نوشته‌های «جی» است.

آنچه مسلم است در زمان خود، این مقالات تأثیر کم و اندکی در تصویب قانون اساسی داشتند؛ چرا که حتی کثیرالانتشارترین روزنامه‌های آن زمان نیز، محلی و ناحیه‌ای بودند. در مارس ۱۷۸۸ میلادی، ۳۶ نامه اول به صورت مجموعه‌ای در آمد و جلد دوم مکتوبات حاوی نامه‌های ۳۷ الی ۸۵ در همان سال به طبع رسید. بعدها این مقالات تأثیر فراوانی در تفسیر قانون اساسی ایالات متحده از خود به جای نهادند. مجموعه فدرالیست پس از اعلامیه استقلال و قانون اساسی، در حکم مستندترین مکتوبات سیاسی ایالات متحده محسوب می‌شود.

4. پیشین، ابوالفضل قاضی، ص ۱۹۳.

به هر حال، ثمره پذیرش اصل تفکیک قوا در ایالات متحده امریکا، پیدایش رژیم ریاستی بوده است. در چنین رژیمی، رئیس جمهور منتخب مستقیم مردم بوده و همانند کنگره از شأن مردمی برخوردار است. قدرت بین دو نهاد رسمی یعنی ریاست جمهوری و کنگره ایالات متحده تقسیم شده است.^۱ نه قوه مجریه قادر است کنگره را منحل کند و نه کنگره می تواند رئیس جمهوری و وزرای همکارش را عزل نماید. وزیران همگی از سوی رئیس جمهوری تعیین و منصوب می شوند (پس از تأیید مجلس سنا) و در برابر او مسئولیت دارند.

در حقیقت رئیس جمهور به علت داشتن کلیه اختیارات قوه مجریه و ایفای نقش دوگانه رئیس کشور و رئیس هیأت دولت، مهم ترین شخصیت سیاسی ایالات متحده به شمار می رود که رهبری دولت را بر عهده داشته و قدرت را در ایالات متحده امریکا در اختیار دارد. در ظاهر، ترکیب فوق، مؤید پیروی از اصل تفکیک مطلق قواست؛ اما امروزه، عملکرد قوای سه گانه در ایالات متحده امریکا به گونه ای است که نه تنها استثنائات زیادی بر یک رژیم ریاستی صرف، وارد کرده بلکه عملاً نظام سیاسی امریکا را به سوی یک «نظام ریاستی با گرایش به سمت نظام پارلمانی» سوق داده است.^۲ برخی از این استثنائات عبارتند از: رئیس جمهوری پیام سالانه ای به کنگره می فرستد و تصویب موارد خاصی را پیشنهاد می کند؛ کنگره می تواند با اکثریت دو سوم، مصوباتی را که توسط رئیس جمهور «و تو تعلیقی» شده است، تصویب مجدد نموده و به قانون تبدیل کند؛ معاون رئیس جمهور (یعنی معاون رئیس قوه مجریه)، ریاست مجلس سنا (یعنی ریاست قسمتی از کنگره) را بر عهده دارد؛ مجلس سنا، حق دخالت در برخی از امور اجرایی را دارد. مثلاً انتصاب مقامات عالی اجرایی و دیپلماتیک مانند وزراء، سفرا، کنسولها و قضات دیوان عالی فدرال که از اختیارات ریاست جمهوری است، باید با تأیید و موافقت مجلس سنا انجام گیرد.

۱. سید محمد هاشمی، تقریرات درس حقوق اساسی تطبیقی، دانشگاه تهران، (مجمع آموزش عالی قم)، نیمسال دوم

سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۷۹.

۲. پیشین، مسیح بهنیا، ص ۶۰.

۳. تفکیک قوا در جمهوری فرانسه

نظام حقوقی فرانسه، مبتنی بر اصل تفکیک نسبی قواست و از ابتدای شکل‌گیری جمهوری در این کشور، رژیم پارلمانی در آن حاکم بوده است، یعنی رژیمی که در آن اصل مسئولیت دولت در مقابل پارلمان، اصلی اساسی تلقی شده است. جمهوری پنجم، علی‌رغم این که به نظام پارلمانی وفادار ماند، رژیم پارلمانی را بیش‌تر در جهت تقویت قوه مجریه سوق داد. برخلاف جمهوری سوم و چهارم که در آن پارلمان بر دولت تفوق داشت، آنچه که هم‌اکنون در نظام سیاسی فرانسه به صورت چشمگیری قابل مشاهده است، تفوق رئیس‌جمهور بر پارلمان است. نگاهی دقیق به نظام سیاسی فرانسه مشخص می‌سازد که این رژیم، هم ریاستی است و هم پارلمانی؛ ریاستی است چون رئیس‌جمهور منتخب مردم است و موازی با پارلمان، مشروعیت مردمی دارد و پارلمانی است چون پارلمان نیز به صورت مستقیم دارای شأن مردمی است.^۱ به همین سبب برخی آن را رژیمی «نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی» به شمار آورده‌اند.

به طور کلی نظام سیاسی فرانسه در جمهوری پنجم، از حیث تفکیک قوا، دارای مشخصات ذیل است:^۲

الف) دو رکنی بودن قوه مجریه

در فرانسه قوه مجریه دو رکنی است: رکن اول، رئیس‌جمهور که مستقل از پارلمان است و از نظر سیاسی، در مقابل پارلمان، غیرمسئول است و رکن دوم، نخست‌وزیر که در مقابل پارلمان مسئول است. همین امر، رژیم فرانسه را از رژیم ریاستی متمایز می‌کند؛ زیرا در رژیم ریاستی، قوه مجریه یک رکنی است و رئیس‌جمهور در عین این که رئیس کشور است، ریاست دولت را برعهده دارد و دولت صرفاً در مقابل رئیس‌جمهور مسئول است.

۱. ر.ک. به: سیدمحمد هاشمی، تقریرات درس حقوق اساسی تطبیقی، دانشگاه تهران (مجمع آموزش عالی قم)،

نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۷۹.

۲. پیشین، بیداردل، ص ۱۰۳.

ب) اصل مسئولیت دولت در مقابل پارلمان

در رژیم پارلمانی فرانسه، قوه مقننه و قوه مجریه با یکدیگر همکاری دارند. «قوه مجریه در قانونگذاری از راه پیشنهاد لوایح قانونی و شرکت در مذاکرات مجلس، در قانونگذاری دخالت می‌کند و پارلمان (مجلس ملی) نیز بر اعمال دولت نظارت می‌نماید و با وسایل قانونی که در اختیار دارد از راه استیضاح و سانسور، وزرا را عزل و برکنار می‌سازد. رئیس‌جمهور می‌تواند مجلس ملی را منحل کند و در مقابل، پارلمان نیز حق اعلام انحلال دولت را دارد»^۱.

گفتار چهارم - نگاهی به تأثیر و تأثر قوا بر یکدیگر در مدل تفکیک قوای کشورهای

ایران، امریکا و فرانسه

۱. تأثیر و تأثر قوا بر یکدیگر در مدل تفکیک قوای جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی ایران، به جای استفاده از کلمه «تفکیک قوا» از واژه «استقلال قوا» یاد کرده است. دلیل آن شاید تأثیرات و تداخلات یا به عبارت روشن‌تر تعامل و همکاری فی‌مابین قوا باشد، اما به هر تقدیر، تفکیک قوای سه‌گانه در ایران به صورت کاملاً نسبی پذیرفته شده که نقطه اتصال آن‌ها رهبری است و جهت‌گیری این قوا را، سیاست‌ها و ابتکارات عملی وی تعیین می‌کند.

علی‌رغم این که در مدل تفکیک قوای ایران، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه، قوایی مستقل تلقی شده‌اند که در نهایت، زیر نظر مقام رهبری به ایفای وظایف خویش می‌پردازند لکن این امر به منزله عدم وجود هر گونه تعامل و نظارت متقابل میان آن‌ها، نیست.

در ذیل برخی از موارد تداخل و نفوذ متقابل قوا با یکدیگر را در جمهوری اسلامی

ایران بیان می‌کنیم:

۱. پیشین، طباطبایی مؤتمنی، ص ۲۶۱.

الف) تداخل و نفوذ قوه مقننه در قوه مجریه

- قوه مجریه، مجری قوانین مصوب توسط قوه مقننه است.
- قوه مقننه به طرق مختلف بر قوه مجریه نظارت می‌کند. از قبیل: تذکر، سؤال، استیضاح و نظارت مالی از طریق قانون بودجه و نیز دیوان محاسبات کشور.
- رأی اعتماد به وزیران پیشنهادی رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود.
- رئیس‌جمهور بابت اقدامات خود و هیأت وزیران در مقابل مجلس مسئول است و هر یک از وزرا نیز در برابر مجلس دارای مسئولیت می‌باشند.
- رسیدگی به شکایات مردمی از قوه مجریه برای مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است.
- تحقیق و تفحص در امور اجرایی توسط مجلس شورای اسلامی، یکی از مکانیسم‌های اجرای اصل نود قانون اساسی در رسیدگی به شکایات مردمی است.

ب) تداخل و نفوذ قوه مقننه در قوه قضائیه

- قضات موظف به اجرای قوانین مصوب قوه مقننه می‌باشند.
- رسیدگی به شکایات مردمی از قوه قضائیه، برای مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است.
- تصویب بودجه قوه قضائیه توسط قوه مقننه صورت می‌گیرد.
- تحقیق و تفحص در امور قوه قضائیه توسط مجلس شورای اسلامی (مستنبط از جمع اصول ۷۶ و ۹۰ قانون اساسی) امکان‌پذیر است.

ج) تداخل و نفوذ قوه مجریه در قوه مقننه

- رئیس‌جمهور، معاونان او، وزراء و مشاوران آنان می‌توانند در مجلس حضور یابند و در صورتی که تقاضا کنند، سخنان آنان شنیده می‌شود.
- پیشنهاد توقف انتخابات در زمان جنگ توسط رئیس‌جمهور، قابل طرح است.
- امضای مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از تأیید شورای نگهبان، از وظایف رئیس‌جمهور است.

- تصویب آیین‌نامه‌های قوانین و تصویب‌نامه‌ها؛ لازم به توضیح است که این امر در نوع خود به نحوی قانونگذاری محسوب می‌گردد و به دلیل اشراف قوه مجریه در امور اجرایی و نیز اهمیت و نقش آیین‌نامه در زمینه شیوه اجرای قوانین، بسیار قابل توجه بوده و در حقیقت به طریقی دخالت در امر قانونگذاری مجلس محسوب می‌شود.

د) تداخل و نفوذ قوه قضائیه در قوه مقننه

- رسیدگی به جرائم عادی نمایندگان در محاکم دادگستری صورت می‌پذیرد که به دلیل عدم مصونیت جزایی آن‌ها می‌تواند بر کارکرد مجلس تأثیر گذار باشد.

- تفسیر قوانین در محاکم دادگستری؛ هر چند براساس اصل هفتاد و سوم قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است ولی در عین حال، دادرسان نیز هنگام رسیدگی و صدور رأی قضایی دارای حق تفسیر قانون می‌باشند.^۱

۲. تأثیر و تأثر قوا بر یکدیگر در مدل تفکیک قوای ایالات متحده امریکا

مطالعه و بررسی قانون اساسی و آیین‌نامه‌های داخلی کنگره ایالات متحده امریکا، به وضوح بیانگر نقش و اهمیت فوق‌العاده کنگره در نظام سیاسی حاکم بر این کشور است.

با نگاهی سطحی به قانون اساسی ایالات متحده امریکا، اولویت و تقدم موضوعی مباحث مربوط به قانونگذاری و قوه مقننه روشن می‌شود. توجه به موضوع قانونگذاری تا جایی مدنظر بوده که نخستین اصل قانون اساسی ایالات متحده امریکا در ده بند به این موضوع اختصاص داده شده است. این امر نشانه اهمیت خاص و فراوانی است که برای این قوه در نظر گرفته شده و بیانی از تجلی فلسفه حاکم بر اندیشه واضعان قانون اساسی بوده است.^۲

به هر حال، قوه مقننه در ایالات متحده امریکا، قوه‌ای است مستقل که در مدل تفکیک قوای ایالات متحده امریکا، از جایگاه ویژه‌ای نسبت به سایر قوا برخوردار بوده و اختیارات

1. پیشین، نجفی اسفاد و محسنی، ص ۲۰۵.

2. شهرام ارشد نژاد، قانون اساسی ایالات متحده امریکا، (تهران: انتشارات گیل، ۱۳۸۰)، ص ۳۴.

آن صرفاً محدود به قانونگذاری نمی‌شود بلکه در عمل، به کنترل و نظارت بر اجرای قوانین نیز می‌پردازد. در ذیل، به برخی از موارد نفوذ و تداخل متقابل قوا با یکدیگر اشاره می‌کنیم:

الف) نفوذ و تداخل قوه مقننه (کنگره) بر قوه مجریه

- رسیدگی و بررسی کلیه لوایح مالی و مالیاتی و تصویب قوانین و مقررات مربوطه در کنگره.^۱
- تصویب یا عدم تصویب بودجه پیشنهادی رئیس‌جمهور.
- تعیین میزان مقرری، دستمزد و حقوق رئیس‌جمهور برای دوره ۴ ساله ریاست جمهوری.
- تأیید یا عدم تأیید انتصابات رئیس‌جمهور در خصوص وزرا، قضات دیوان عالی کشور، سفرا و کنسول‌ها^۲ (توسط مجلس سنا).

- «تعقیب و محاکمه»^۳ رئیس‌جمهور و سایر مقامات عالی‌الجایی؛ در این مورد، ابتکار اتهام با مجلس نمایندگان از طریق تشکیل کمیته‌های تحقیق است و محاکمه و رسیدگی و صدور حکم با مجلس سناست. در جلسه رسیدگی که با حضور اکثریت اعضای سنا است. استثنائاً ریاست جلسه با رئیس دیوان عالی کشور است.

ب) نفوذ و تداخل قوه مقننه (کنگره) بر قوه قضائیه

- تأیید یا عدم تأیید قضات پیشنهادی رئیس‌جمهور برای عضویت در دیوان عالی کشور (توسط مجلس سنا).^۴
- اعطای پاره‌ای اختیارات قضایی به کمیسیون‌ها و آژانس‌های مستقل اجرایی و قانونگذاری.

ج) نفوذ و تداخل قوه مجریه بر قوه مقننه (کنگره)

1. مواد (۱۴) و (۱۵) آیین‌نامه داخلی مجلس نمایندگان کنگره ایالات متحده آمریکا از منبع ذیل:
Rules of 107th Congress, House of Representative, 2002, web site: www.house.gov/rules/

2. ماده (۳۱) آیین‌نامه داخلی مجلس سنا کنگره ایالات متحده آمریکا از منبع ذیل:
Standing Rules of the Senate, 2002, web site: www.rules.senate.gov/senaterules/

3. Impeachment

4. بند سوم ماده (۳۱) همان قانون.

- حق وتوی مصوبات مجلس؛ در این خصوص رئیس‌جمهور از حق وتوی قانونی و تأخیری^۱ برخوردار است.
- ارسال پیام سالانه به کنگره، تهیه و پیشنهاد لوایح مختلف قانون به کنگره و پیشنهاد لایحه بودجه سالانه کل کشور و نیز اجازه حضور در صحن علنی مجالس کنگره در موارد ضروری.
- اعمال نفوذ غیرمستقیم سیاسی از طرق مختلف از جمله واگذاری پست‌های مهم به وابستگان اعضای کنگره برای جلب حمایت آن‌ها و نیز مساعدت‌های مالی در حوزه‌های نمایندگی (کمک به حوزه‌های نمایندگی نمایندگان متنفذ در کنگره).

د) نفوذ و تداخل قوه قضائیه (دیوان عالی کشور) بر قوه مقننه (کنگره)

- حق حضور قضات دیوان عالی کشور در موارد لزوم در صحن مجالس کنگره،
 - تفسیر قانون اساسی و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت قوانین مصوب کنگره با اصول قانون اساسی،
 - ریاست رئیس دیوان عالی کشور در جلسه محاکمه رئیس‌جمهور یا سایر مقامات عالی‌المراتب در کنگره،
 - رسیدگی به شکایت ایالتی که داوطلب نمایندگی آن پس از پیروزی در انتخابات، اعتبارنامه‌اش مورد تأیید مجالس کنگره قرار نگرفته است.
- لازم به ذکر است که در چنین مواردی، برای این که به اصل تفکیک قوا لطمه‌ای وارد نشود، دیوان عالی کشور، صرفاً رسیدگی شکلی می‌کند و وارد رسیدگی ماهوی نمی‌شود.^۲
- با توضیحاتی که ارائه شد، به وضوح مشخص است که آنچه در نظام سیاسی امریکا اعمال می‌شود گرایش به سمت تفکیک نسبی قواست نه تفکیک مطلق قوا و در حقیقت، نوعی سیستم تعادل و توازن میان قوا، حاکم است و عملاً قوا برای کنترل قدرت یکدیگر به

1. Pocket Veto

2. ابوالقاسم مشیری، نقش کنگره امریکا در سیاست آن کشور، (تهران، انتشارات اشرفی، ۱۳۵۰)، ص ۴۲.

وسایل گوناگونی مجهز هستند.

۳. تأثیر و تأثر قوا بر یکدیگر در مدل تفکیک قوای جمهوری فرانسه

نظام سیاسی فرانسه، عملاً یک نظام نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی است که هم همکاری قوا در آن دیده می‌شود و هم سیستم تعادل و توازن قوا در آن وجود دارد. بر این اساس، دو موضوع «همکاری قوا» و «توازن و تعادل قوا»، قابل بحث هستند.

الف) همکاری قوا

از آن جا که نظام فرانسه مبتنی بر اصل تفکیک نسبی قواست، همکاری و روابط میان قوا به وضوح قابل مشاهده است و قوای مجریه و مقننه به صورت کامل از یکدیگر متأثرند.

به موجب اصول (۳۴) و (۳۷) قانون اساسی، اختیارات قوه مقننه به طور قابل ملاحظه‌ای محدود شده است و به همین جهت دست قوه مجریه باز بوده و رؤسای آن می‌توانند در چارچوب اصول قانون اساسی، به وضع آیین‌نامه و نظامات دولتی بپردازند.

مطابق اصل (۳۸) قانون اساسی «دولت می‌تواند برای اجرای برنامه‌های خود از پارلمان کسب اجازه نماید تا برای مدتی محدود از طریق «دستورالعمل»، تصمیماتی اتخاذ کند که اصولاً در حکم قانون باشد». همچنین به موجب اصل (۳۹) همان قانون، دولت در فرایند تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی، دارای حق ابتکار - یعنی پیشنهاد قانون - است. به علاوه مطابق اصل (۴۴)، دولت دارای حق پیشنهاد اصلاحی قوانین می‌باشد و بعد از شروع مذاکرات می‌تواند با بررسی هر اصلاحیه‌ای که قبلاً به کمیسیون ارائه شده است، مخالفت نماید.^۱

چنانچه به علت عدم توافق دو مجلس، یک لایحه یا طرح قانونی به تصویب نرسد، نخست‌وزیر اختیار تشکیل کمیسیون مشترکی را از اعضای دو مجلس به تعدادی برابر دارد و در نهایت چنانچه طرح یا لایحه مزبور به تصویب نرسد، دولت می‌تواند از مجلس ملی

۱. ر.ک. به: محمد حسین زارعی، مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری ایران و برخی کشورهای جهان، طرح مطالعاتی - پژوهشی، دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، تیرماه ۱۳۸۳.

بخواهد که نظر خود را به صورت قطعی اعلام کند. علاوه بر این، به موجب اصل (۳۱) قانون اساسی، اعضای دولت می‌توانند در دو مجلس حضور یابند و هرگاه درخواست کنند، اظهاراتشان شنیده می‌شود. آنان می‌توانند از همراهی کارشناسان دولت نیز، برخوردار گردند. در مقابل، پارلمان نیز با مداخله و نظارت در امور اجرایی و اداری و رهبری سیاست دولت، با قوه مجریه همکاری می‌کند. از جمله موارد مداخله و نظارت پارلمان اصل (۳۵) قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «اعلان جنگ با اجازه پارلمان صورت می‌گیرد» و همچنین مطابق اصل (۳۶) همان قانون، «تمدید حکومت نظامی بیش‌تر از دوازده روز، باید با تصویب پارلمان، صورت گیرد». به علاوه مسئولیت نخست‌وزیر و هیأت وزیران در مقابل پارلمان نشانگر نوعی همکاری بین قواست.^۱

ب) تعادل و توازن قوا

در رژیم سیاسی فرانسه، هر یک از قوا، وسایلی را در اختیار دارند که از طریق آن می‌توانند نسبت به قوه دیگر اعمال نفوذ کنند و دیگری را به اطاعت از قانون وادارند. این ابزار و وسایل، با یکدیگر برابرند و همین امر سبب شده که قوای حکومتی تا حد زیادی با یکدیگر متوازن شوند و تعادل لازم بین آن‌ها برقرار گردد.^۲ از آنجایی که در این نظام سیاسی، در مقابل هر ابزاری که به قوه مقننه داده شده، امتیازاتی معادل آن نیز به قوه مجریه اعطا گردیده، به گونه‌ای که هر دو قوه از امتیازات برابری برخوردار باشند، به آن لقب «پارلمانتاریسم عقلانی یا منطقی»^۳ داده‌اند. زیرا اگرچه قانون اساسی به پارلمان، حق نظارت بر قوه مجریه را اعطا نموده و نخست‌وزیر و وزیران (هیأت دولت) در مقابل پارلمان مسئولیت دارند و پارلمان می‌تواند از حق سانسور در ساقط نمودن کابینه استفاده نماید، در مقابل به رئیس‌جمهور نیز حق انحلال مجلس ملی اعطا

۱. ر.ک. به: محمدحسین زارعی.

۲. پیشین، طباطبایی مؤتمنی، ص ۱۳۲.

گردیده است.

همچنین رئیس‌جمهور فرانسه از حق و توی تعلیقی برخوردار است که این امر موجب می‌شود اجرای مصوبات پارلمان، تا بررسی مجدد و تجدیدنظر احتمالی توسط پارلمان، به تعویق افتد.

با وجود این، قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه، به تفوق قوه مجریه بر قوه مقننه تمایل دارد. این امر برای جلوگیری از بحران‌های سیاسی و مخرب کابینه‌ها، وارد قانون اساسی این کشور گردید و لذا قانون اساسی، نقش اصلی سیاسی و اجرایی را به رئیس‌جمهور اعطا کرده است.

آنچه که در قانون اساسی فرانسه آمده، با آنچه که در عمل مشاهده می‌شود، به کلی تفاوت دارد. بدین خاطر که «اگر نخست‌وزیر - یعنی رئیس دولت - و رهبر اکثریت پارلمانی از همان حزبی باشد که رئیس‌جمهور از آن حزب است، قوه مجریه بسیار نیرومند می‌شود و نقش پارلمان به حدی بی‌اهمیت می‌گردد که به یک دفتر «ثبت احوال» تبدیل می‌شود و لذا این خطر پیش می‌آید که حزب اکثریت، مبدل به یک حکومت جبار گردد. در مقابل اگر نخست‌وزیر و اکثریت پارلمانی، متعلق به حزبی باشند متفاوت از حزبی که رئیس‌جمهور به آن تعلق دارد، مصداق بارز آن موردی می‌شود که به آن می‌گویند: «همزیستی یا همکاری مشترک»^۱.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، مشخص می‌شود مفهوم تفکیک قوا در دنیای امروز، تا حد زیادی از مفهوم کلاسیک تفکیک قوا (به معنای تفکیک مطلق قوا از یکدیگر) فاصله گرفته است؛ به این جهت، غالب نظام‌های حقوقی - سیاسی جهان، ضمن پذیرش اصل تفکیک قوا که

۱. در فرانسه در صورتی که اکثریت پارلمانی از حزبی باشند متفاوت از حزبی که رئیس‌جمهور به آن تعلق دارد، معمولاً رئیس‌جمهور، با استفاده از اختیار انحلال مجلس، زمینه را برای پیروزی حزب متبوعش فراهم می‌کند چنان‌که فرانسوایتران و ژاک شیراک چنین اقدامی را صورت دادند، برای مطالعه بیش‌تر رجوع کنید به: دلاکامیانی، پیشین، ص ۱۲۸.

عاملی جدی برای جلوگیری از تجمیع قدرت عمومی در ید واحد شمرده می‌شود، با به کارگیری سیستم تعادل و توازن قوا، تلاش کرده‌اند تا در عین توزیع قدرت میان قوای سه‌گانه، از همان قدرت‌های توزیع شده برای نظارت بر حسن جریان امور استفاده کنند و در حقیقت با بهره‌مندی از این ابزار، قدرت را به وسیله قدرت کنترل نمایند.

به عبارت دیگر، علی‌رغم تفاوت‌های موجود در نظام‌های سیاسی گوناگون (نظام پارلمانی، نظام ریاستی، نظام مختلط، نظام نیمه پارلمانی - نیمه ریاستی یا نظام اسلامی) لکن رویه عملی دولت‌ها به سمتی پیش رفته که امروزه اعمال سیستم تعادل و توازن از لوازم ضروری اصل تفکیک قوا در تمامی نظام‌های سیاسی تلقی می‌شود. با این حال، باید به این حقیقت اعتراف کرد که برخی از نظام‌های سیاسی نیز با عنایت به محتوی فرهنگ و سنن موجود در جامعه خویش، در عین این که میل به تفکیک قوا و تعادل و توازن قوا داشته‌اند، لکن در عمل تا حدود زیادی از فلسفه اصلی تفکیک قوا دور شده‌اند.

مقایسه مدل‌های تفکیک قوا در نظام‌های سیاسی ریاستی (نمونه: ایالات متحده امریکا)، نیمه پارلمانی - نیمه ریاستی (نمونه: فرانسه) و اسلامی (نمونه: جمهوری اسلامی ایران) در این مقاله، به خوبی ادعای مزبور را به اثبات می‌رساند.

اگرچه مطابق آنچه بیان شد، تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران با مفهوم متداول و رایج تفکیک قوا در سایر دموکراسی‌های معاصر، متفاوت است لکن در عین حال واضعان قانون اساسی تلاش کرده‌اند تا با درک مفهوم نظارت، در اصول مختلف آن قانون، مسأله توازن و تعادل را مدنظر قرار داده و مکانیسم‌های مختلفی را برای کنترل و نظارت قوا بر یکدیگر در نظر بگیرند. البته با عنایت به اختیارات مقام رهبری در اصل (۱۱۰) قانون اساسی، عملاً مدل تعادل و توازن قوا در جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تأثیر تفاوت محتوایی نظام سیاسی ایران از سایر دموکراسی‌های معاصر قرار گرفته و این مکانیسم نیز، به شیوه‌ای خاص به اجرا گذاشته شده است. این رویه به اشکال متفاوت در مدل تفکیک قوای دو کشور ایالات متحده امریکا و فرانسه مدنظر بوده است، به نحوی که اگرچه به لحاظ تئوری، «اصل تفکیک مطلق قوا»، از اصول حاکمیت سیاسی در ایالات متحده امریکا به

شمار می‌رود لکن عملکرد قوای سه‌گانه در این کشور به گونه‌ای است که ماهیتاً گرایش شدید به «تفکیک نسبی قوا» را به ذهن هر اندیشمندی متبادر می‌سازد. در ایالات متحده امریکا، به کارگیری ابزارهایی کارآمد برای کنترل و نظارت متقابل قوا بر یکدیگر که توأم با ضمانت اجرای مؤثر قانونی شده، ضمن آن که از تجمع قدرت سیاسی در دست یک قوه جلوگیری کرده، بر کیفیت مطلوب روابط قوا با یکدیگر نیز افزوده است.

در فرانسه اصل تفکیک نسبی قوا از اصول بنیادین نظام سیاسی این کشور شمرده شده که امروزه در عمل، دو ویژگی اساسی «همکاری قوا» و «توازن و تعادل قوا» به خوبی در سیستم حقوق اساسی این کشور قابل مشاهده است.

با توجه به مراتب فوق می‌توان نتیجه گرفت که تعریف جدید تفکیک قوا در جهان امروز، عبارت است از: «تقسیم قدرت سیاسی میان قوای سه‌گانه به نحوی که هر قوه ضمن برخورداری از استقلال در اجرای وظایف محوله، به ابزارهای کنترل و نظارت تجهیز شده و با استفاده از آنها، در چارچوب حاکمیت قانون، حسن جریان اعمال قدرت و اجرای وظایف در قوای دیگر را تضمین کند».

به این جهت غالب کشورها تلاش کرده‌اند تا با عنایت به نوع نظام سیاسی خویش و با درک صحیح از تفاوت مفاهیم نظارت و دخالت، به نحوی سیستم «تعادل و توازن قوا» را در روابط قوای سه‌گانه خویش حاکم سازند. در این میان به نظر می‌رسد، آن دسته از نظام‌های سیاسی که در آنها هیچ نیرویی مافوق قوای سه‌گانه وجود ندارد، در انجام این مهم موفقیت‌های بیش‌تری کسب کرده‌اند. این امر ضمن آن که به تقویت و تحکیم دولت و ثبات سیاسی حکومت منجر می‌شود، در عمل اگر حکومت از مشروعیت و مقبولیت مردمی برخوردار باشد، توأم با رعایت اصل حاکمیت قانون می‌تواند بیش از پیش، حقوق شهروندان جامعه را تأمین و تضمین کند.

منابع و مأخذ

۱. آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹.
۲. ارشد نژاد، شهرام. *قانون اساسی ایالات متحده امریکا*. تهران: انتشارات گیل، چاپ اول، آذر ۱۳۸۰.
۳. ارفعی، عالیبه، «آشنایی با فرایند قانونگذاری در ایالات متحده امریکا»، مجلس و پژوهش، شماره ۲۴، اردیبهشت ۱۳۷۷.
۴. بهنیا، مسیح. *بررسی تطبیقی آیین‌نامه داخلی کنگره امریکا (سنا و نمایندگان) با آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، به راهنمایی دکتر محمد حسین زارعی، دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم)، اسفند ۱۳۸۲.
۵. بیدار دل، سید جهانگیر. *بررسی تطبیقی اختیارات فوق‌العاده مقامات عالی حکومتی در نظام‌های ایران، فرانسه و مصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، به راهنمایی دکتر محمد حسین زارعی، دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم)، تابستان ۱۳۸۲.
۶. شاپیرو، جان سالوین. محمد سعید حنایی کاشانی (مترجم)، *لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول: ۱۳۸۰.
۷. دلا کامیانی، کریستیان، «تفکیک قوا و برخی مسائل فلسفه سیاست در روزگار ما»، ترجمه، بزرگ نادرزاده، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پانزدهم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰.
۸. زارعی، محمد حسین. *مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری ایران و برخی کشورهای جهان*. تهران: دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تیرماه ۱۳۸۳.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. *حقوق اساسی*. تهران: نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی. *فقه سیاسی*، جلد اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۱۱. غنی‌نژاد، موسی، «دمکراسی در پرتو دو مفهوم آزادی و قدرت»، کیان، شماره ۱۳۲، شهریور و مهر ۱۳۷۵.
۱۲. قاضی، ابوالفضل. *گفتارهایی در حقوق عمومی*. تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، مهر ۱۳۷۵.
۱۳. قاضی، ابوالفضل. *بایسته‌های حقوق اساسی*. تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، مهر ۱۳۷۵.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. قانون اساسی ایالات متحده امریکا.
۱۶. قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه.
۱۷. مشیری، ابوالقاسم. *نقش کنگره امریکا در سیاست آن کشور*. تهران: انتشارات اشرفی، چاپ اول، ۱۳۵۰.
۱۸. نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید. *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات بین‌المللی

الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۹. هاشمی، سید محمد. *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۸.

۲۰. هاشمی، سید محمد، «تقریرات درس حقوق اساسی تطبیقی»، تهران: دانشگاه تهران، (مجتمع آموزش عالی قم)، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۸۰.

21. Rules of 107th Congress, House of Representative, 2002, web site:

www.house.gov/rules/

22. Standing Rules of the Senate, 2002, web site: www.rules.senate.gov/senaterules/

